



گزارش از نخستین سیمینار ولکچر علمی

برای اعضای گفتمان ملی افغانستان

مورخ: سوم فبروری 2023

طبق پلان مشترک هیئت اجراییه و کمیسیون نشرات و تحلیل واریابی گفتمان ملی سیمینار علمی و سیاسی به شکل لکچر و تبادل نظر در یک نشست zoom اجرا و تحقق یافت. سخنران ولکچر دهنده اصلی پروفیسور دوکتور زمان ستانیزی استاد رشته عرفان والهیات در پوهنتون مطالعات عالی پاسفیکا در کلیفورنیا، سابق استاد پوهنتون کابل و معاون گفتمان ملی افغانستان بودند. درکنار ایشان آقای جمشید پایمرد معاون گفتمان ملی و صدیق وفا مسئول کمیسیون نشرات، تحلیل واریابی در سازماندهی و پیشبرد این تبادل نظر و سیمینار سهم داشتند. اعضا و اشتراک کننده گان تا ساعت 19:00 شام گردهم آمدند و نشست با سخنان آقای پایمرد در رابطه به اهمیت چنین برنامه ها غرض ارتقای سطح آماده گی اعضای گفتمان ملی و آشنایی بیشتر با خط فکری و درونمای کاری این نهاد و همچنان استقبال و خوش آمدید به شرکت کننده ها و حضور استاد ستانیزی آغاز یافت.

سپس از صدیق وفا تقاضا نمود تا برنامه را گرداننده گی نماید.

نخست اجندای مطروحه طور آتی پیشکش گردید.

موضوع لکچر: اوضاع جاری افغانستان، موضعگیری های جهانی و منطقوی، راههای برون رفت.

1- تئوری عدم تشدد، گفتمان و اعتدال پسندی چیست؟

2- آیا بدیل جاگزین برای تشدد و خشونت وجود دارد؟ اگر ندارد چه باید کرد؟

3- سوالات، پیشنهاد ها و نظریات شرکت کننده ها.

4- جمع بندی و نتیجه گیری

بعد از آن که میکانیزم و طرز پیشبرد اعلام شد. به ارتباط اجندا داخل تبادل نظر و استماع لکچر شدیم. استاد ستانیزی بحیث یک شخصیت اکادمیک چنانچه خود گفتند به بُعد سیاسی مسئله کمتر اما به بُعد علمی بخصوص چگونگی پیدایش خشونت در جهان و در کشور ما که ناشی از جهالت میباشد توضیح دادند.

ایشان گفتند:

ما اینجا گفت و شنود مینمایم تا دیدگاه خود را بیان و روزنه یی را جستجو و از سر درگمی نجات یابیم. "من هفته قبل در برنامه (هنداره- پنداره) رادیو تلویزیون وطن در رابطه به "قداست" واز جمله قداست زن سخن و حرفی داشتیم. آن مطلب و مساله خشونت و عدم خشونت با هم مرتبط است.

عدم تشدد از حالت نورمال برون شدن میباشد، زیرا اصل بشریت با تشدد، خشونت و تقابل وزور آزمایی آغاز و ادامه یافته است."

به ادامه مثالی آوردند:

در قبیله ماسای افریقا هنگام انتخاب همسران شان، دختران یک طرف و پسران طرف دیگری ایستادند. بچه ها خیز می زدند و هرکی خیز بلند تر میزد مورد توجه قرار میگرفت، زیرا در آن وقت به مردان نیرومندی نیاز بود تا خانواده و جامعه را از آفات طبیعی و اجتماعی در امان داشته باشند. از اینجا بود که زور، قوت و قدرت وارد مناسبات بشری شد. روی این برهان عدم تشدد به معنی مخالفت با روال جاری جامعه و نبود ابزار و وسایل خشونت محسوب شد. همچنان از چنین نکته ی "مردانه گی" که روی تفاوت جسمانی استوار بود روی کار آمد، اما "زنانه گی" شرم پنداشته میشد و تا امروز چنان است، اما حقیقت آنست که زنان حیات بخش اند. وقتی که میگویم زن حامله است، باید از خود سوال نماییم که زن چه را حمل میکند، واضحست که حیات وزنده گی یک انسان دیگر را حمل میکند و بسر می رساند.

با برداشت ما دوکتور ستانیزی از نظر علمی توضیحات دادند که ریشه تشدد و خشونت از کجا و چگونه بوجود آمد؟ ایشان از تاریخ پیدایش بشر و از وقتی که تفاوت در هویت انسان از نظر جنسیتی پیدا گردید و تفوق فیزیکی مرد بر زن و مساله مرد سالاری شروع گردید با اسطوره سازی مرد، "مردانه" معادل و معیار انسان برتر، مرد را خشن و جنگ سالار بوجود آورد و خشونت وزور گویی بیان شجاعت انسان از جنس مرد، جنس با حق بیشتر و برتر را تبارز داد و این تفوق جنسیتی ناشی از جهالت و عقب مانده گی جامعه بود.

استاد ستانیزی از زرتشت (مردی با شتر زرد) از شوالیه هادر فرانسه و از سوارکاران اسپ که در جنگها و فتوحات نقش داشتند بطور مثال یاد آوری نموده افزودند که در کشور ما "مردانه گی" معادل انسانیت و برتری ما مردان شمرده میشود و قسم به "مردانه گی" خورده میشود نه به "زنانه گی". مردان جبون را زن صفت میگویند، زن را حقیر میشمرند، تاریخ بشر این مسیر را پیموده است، در حالی که زن تقدس دارد "زنانه گی" زنان در بسیاری خصوصیات و سجایا برتر از مرد است. به این ترتیب علل خشونت در جامعه عقب مانده ما و اعمال ضد تمدنی مجاهد و طالب را در مقابل زنان و بالاخره قوانین افراطی و بنیاد گرایانه طالبان راناشی از عقب مانده گی جامعه و تسلط ذهنیت روستایی عقب ماند بر شهر و بر تمدن دانستند.

طوری که قهرمان سازی در تاریخ اسلام و جهان واقع شده که مردان با صفات "شاه مردان"، "شیر خدا"، "جنگجو"، "رزم آور" و غیره یاد شده اند، مردانه گی معادل انسانیت حساب میشد، خدایان هم مرد صفت و جنگاور بودند، اما تاریخ الهه ها را نیز به یاد دارد که برای صلح و آشتی می رزمیدند، در اسلام جنگ را بد ولی جهاد را خوب گفته اند. به این ترتیب هزاران سال جنگ و خشونت بوده است.

حیوانات بخاطر امرار حیات شان مجبور هستند. تا شکار کنند و هم نوع خود را نه گشند.

اما در انسانها بخاطر رسیدن به منافع و سلطه خویش در طول دوره های تاریخی هموعان خویش را قربانی کرده و به قتل رسانیده اند و از راه ایجاد تبعیض فرهنگی، نژاد و رنگ پوست، زبان، طرز زندگی و عقاید آنها و عوامل اجتماعی و منافع مادی مورد خشونت و کشتار قرار داده اند، به توهین فرهنگ و طرز زنده گی آنها پرداختند و ذهنیت های مخرب تشدد و خشونت را پیشه کردند.

حال چگونه میتوانیم به عدم خشونت، اعتدال و بدیل گذار نمایم؟

امروز گروه حاکم در کشور از برداشت خویش در باره "جهاد، شریعت و بهشت" صحبت نموده در

حالیکه انسانهای معمولی دیگر از منطق عقل و دانایی انسانی حرف میزنند و به جای جنگ راه حل دیگر را پیشنهاد می کنند که گفتمان ملی راه مذاکره، تفاهم و اعتدال که در آن سیاست عدم تشدد ارجحیت یافته و در نمونه معاهده صلح عدیبیه مدینه با قریش مکه میان پیامبر اسلام و یاران اش با سران قریش که ده سال مکمل پیمان صلح دو طرف بود یاد آور شدند .

دوکتور ستانیری، راههای مبارزه علیه خشونت و عقب مانده گی و ذهنیت روستایی را توضیح دادند و بر ضرورت اتخاذ اقداماتی تاکید کردند که نباید تشدد و خشونت طالبان تحریک گردد بلکه اسلحه آنها که دین است باید از دست آنها گرفته شود و مسجد را باید به مرکز تجمع مردم و مقابله خاموشانه و با شیوه عدم تشدد استفاده کرد. زیرا مردم نه توان و نه امکان مقابله با زور و اسلحه را دارند و نه بدیل دیگر وجود دارد .

بدین جهت باید گفتمان و فشار مدنی و بین المللی باعث تغیر در تصامیم طالب گردد ، آنها باید با مدنیت تغیر یابند و اصلاح گردند ، نباید با عدم داشتن قدرت به خشونت که باعث کشتار مردم میشود اقدام کرد . بلکه باید جنبش عدم خشونت و تشدد را تقویت کرد . کارمندان وزارت های مهم چون وزارت مالیه یا گمرکات به کار نروند، رکود در دستگاه طالبان بوجود بیاوریم انحصار قدرت را از دست طالبان باید کشید ، در شهر ها مدنیت وجود دارد از راه شهر ها پیش برویم ، در نمازهای روزهای جمعه مردم به رسم احتجاج در مساجد جمع کردند و با سکوت راه داخل شهر را بسته کنند و این حرکات سراسری سازمان داده شود.

امارت و حاکمیت سیاسی در قرآن وجود ندارد امارت در اسلام بدعت است ، توسط علمای دین به مردم تفهیم کنیم که اعمال طالبان مطابق قرآن نیست بل اینها براساس احادیث عمل میکنند که این احادیث حقیقت روایت محمد نبوده و اسلامی نیست

- بعد از استماع سخنان استاد **ستانیزی** دربخش سوالات، پیشنهاد ها و نظریات محترم شیر پاسدار با توضیح فشرده پالیسی کنونی گفتمان ملی سوال کردند که هر گاه شورای انسجام گفتمان ملی با استراتژی کنونی خویش یعنی سیاست عدم تشدد به جای نرسد و طالبها حاضر نشوند به مطالبات و خواست های برحق مردم تمکین کنند، پاسخ و کژنش تاریخی برای مردم چه خواهد بود ؟، زیرا قرائت طالب ها از شریعت اسلامی موقف و برداشت روشن خودشان را دارند؟

ستانیزی روشهای دیگری مانند: اعتصاب درمساجد، کارگیری از تلفونهای همراه، بایکوت مردان و نرفتن بقیه زنان به کار و سایر متود های مسالمت آمیز را توصیه کرد.

صدیق وفا منحنی گرداننده سهم گرفت و به توضیحات بیشتر طبق پرسش پاسدار پرداخت و گفت: به گمانم هدف پاسدار آنست که اگر این روشهای موثر نباشد بیشتر چه باید کرد؟ در اینصورت مطابق وضعیت در تاکتیک و حتی استراتژی گفتمان ملی تعدیل رونما خواهد شد، طوری که میدانیم: دیدگاه و خط مشی گفتمان ملی برای یک دوره پلان شده از یک مجمع عمومی تا مجمع عمومی دیگر سنجیده شده است، هر روز و هر ساعت امکان تغیر اوضاع متصور است در آن صورت گفتمان ملی نیز در دیدگاه و اهداف خود درچوکات طرح نخستین وهشتگانه که شامل حراست از حاکمیت ملی، تمامیت واستقلال، انتخابات آزاد، به میان آمدن قانون اساسی با تدویر لویه جرگه، حمایت از حقوق شهروندی وسیاست خارجی دارای بیطرفی فعال وتعامل با جامعه جهانی میباشد. تغیراتی به میان خواهد آورد.

- سپس خانم **مسعوده قاضی** گفت در کنار عدم تشدد ما چه کمکی به تعلیم وتحصیل دختران

میتوانیم؟ چه راهکار میتواند موثر باشد؟ وی با توضیح وضعیت گذشته و تظاهرات زنان و دختران کشور و شهر کابل از مردان که حضور نیافتند و علاقه نگرفتند انتقاد نمودند.

در رابطه با رد جنگ و تایید سیاست عدم تشدد بیان کردند که تجربه نشان داد که استاد مشعل و یکعده استادان دیگر پوهنتونها اعتصاب نمودند اما برای حاکمان سرپرست این اعتصابات نتیجه لازم نداد و در مقابل آن بی تفاوت ماندند و معلوم نیست که اینها به کدام سرنوشت دچار خواهند شد؟
پاسخ استاد: ما نمی توانیم یک کشور چهل میلیونی را که هر روز قربانی میدهد از راه دور کمک نمایم. خواهر های ما چند بار مظاهره نمودند، همه شمول نبود. اعتصاب ها و عکس العملها باید همه گانی باشد وحد فاصل بین پشتون وتاجیک در آن نباشد، تنظیم هرکار عملی و کمک دشواری های خود را دارد. اما مردان در همبستگی با حقوق و خواست های زنان باید بطور جمعی و مشترکاً در اعتصابات و تظاهرات شهر ها شرکت کنند و همبستگی نشان دهند و به کار ها نروند تا فشار بر حکومت طالب ها بیشتر گردد.

- سپس آقای غلام سرور نیازی چهار سوال را مطرح داشت: طالب بدیل دارد؟، طالب اصلاح پذیر است؟ طالب قدرت را به کسی تسلیم میکند؟ مقاومت در برابر طالب راه حل است یا چگونه؟
- استاد پاسخ به این پرسش ها را نسبت مشکل تکنیکی در انترنیت که داشت بعد تر در نتیجه گیری داد.

- انجنیر واسع امیر معاون گفتمان ملی نسبت مشکل انترنیت خواست نظریات خود را در صفحه نشر کند.

- آقای گلزار کاووش پیشنهاد نمود که چگونه افغانهای خارج از کشور را در تحقق اهداف گفتمان ملی بسیج و آماده کنیم و کدام وظیفه در برابر ما قرار دارد؟ آیا ما می توانیم با راه اندازی یک نامه سرگشاده عنوانی سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و وزارت خارجه امریکا که در آن وضعیت بعد از پروتوکول دوحه با طالبان تا امروز بیان شده و حاوی مطالبات مشخص باشد از سوی گفتمان ملی به زبان انگلیسی ترتیب و بعد از جمع آوری امضا ها از سوی رهبری گفتمان ملی به مراجع یاد شده ارسال شود.
- صدیق وفا پاسخ ارایه و اظهار نمود، که چنین اعلامیه ها و پیامها از جانب گفتمان ملی به مراجع سازمان ملل، مقامات آمریکا و اروپا صادر شده است، اما این پیشنهاد را علیحده مورد بحث قرار خواهیم داد.

- در وقفه بنابر تقاضای گرداننده آقای پایمرد رشته سخن را گرفت و در مورد برداشت های خود از سخنان استاد گفت: انسان ها در کرکتر خود تشدد را عجزین دارند، عدالت ندارند، در جامعه عقبمانده ما چگونه میتوان از خشونت انکار کرد؟

رویکار آمدن طالبان و حاکمیت آنان را در مقطع کنونی مردم افغانستان انتظار نداشتند، ما با یک وضعیت تازه مواجه هستیم، نه امریکا و نه اروپا در غم مردم افغانستان هستند، جامعه جهانی طالب را میپذیرد و ما شما را همان مردم دهات سیکولار گفته نمی پذیرند، به خاطر داشته باشید ما نماینده گان مردم نیستیم و آنان ما را به رسمیت نمی شناسند.

این درست است که روشنفکران پیشاهنگ هستند و باید مردم را آگاه ساخته و بدنبال خود بکشاند. این در صورتی است که ما راه حل را بدانیم، اتحاد بزرگ ملی و یک صدای کلان را به میان بیاوریم.
- در بخش دیگر آقای نجیب الرحمن شمال از نتیجه مذاکره خود یا یک حلقه دیگر گزارش داد که تفصیل آنرا در جای لازم ارایه خواهند داشت.

جمع بندی و نتیجه گیری:

ما در رابطه به چگونگی وضعیت و کار برد اندیشه و طرز دید عدم تشدد وعدم خشونت و کار برد آن برای ایجاد بدیل جنگ و منازعه گفتیم و شنیدیم. سیاست عدم خشونت گرچه جهانی و همه شمول نشده است، اما برای رهایی از جنگ و تشدد با نمونه های کاندی و خان عبدالغفارخان حداقل برای منطقه ما یک روزه است، گرچه تجاربی در افریقا با نقش ماندیلا و در امریکا با سهم مارتین لوتر کینگ وجود دارد.

به پاسخ یک پرسش: طالبان انعطاف پذیر نیستند، اما چه کنیم که انعطاف پذیر شوند، طالبان بدیل ندارند، اما فقط با سیاست عدم تشدد میتوانیم بدیل طالبان را دریافت نمایم. مقاومت مدنی و مسالمت آمیز راه معقول است.

در نتیجه: حل این مسایل و رسیدن به حقوق مردم افغانستان کار یک روزه نیست، ما باید در جستجوی راههای نو نیز باشیم، تغییرات مثبت در نظر و عمل گفتمان ملی یکی از راههاست! در پلان بود که لکچر و سیمینار علمی و سیاسی در ظرف یکنیم الی دو ساعت پایان یابد اما بنابر علاقمندی ها و اندک مشکل تخنیکي سه ساعت دوام یافت .

با حرمت

کمیسیون نشرات، تحلیل و ارزیابی
